

مقدمه:

خواننده گرامی،

از کوتای خونین هفت ثور سیزده پنجاه و هفت درست سی و سه سال می گذرد. سی و پنج سالی که هر لحظه اش خون، مرگ و باروت بوده است و این هدیه نامیمون و خونین را حزب دموکراتیک خلق افغانستان که کودتا را سازمان داد، نصیب ملت ما ساخت. حزب دموکراتیک خلق افغانستان از نخستین روزهایی که بر اریکه قدرت تکیه زد، شیوه سرکوب و کشتار استالینی را در پیش گرفت و بی رحمانه به نابودی هر آن کسی که می پنداشت برای رژیم خطری ایجاد می کند، پرداخت. هزاران انسان بیگناه در معرض شکنجه های جسمی و روانی غیر انسانی قرار گرفتند و تنها عده کمی از آن ها توانستند از زیر ساطور خونین این رژیم وحشت، اختناق و ترور جان به سلامت ببرند. پدر شهیدم عبدالواحد احمد پروانی با استاد نامدار لیسه حربی شهید دگروال عبدالغفور احمد پروانی و پسر کاکایم محمد اسحق احمد پروانی از شمار کسانی اند که به دستان جلادان بیرحم و وحشی اگسا مظلومانه به شهادت رسیدند.

شهید عموم عبدالواحد احمد پروانی بیش از بیست سال در ولایات مختلف افغانستان به حیث ولسوال ایفای وظیفه کرده بود. هنگامی که کودتای هفت ثور به پیروزی رسید، وی ولسوال غوریان هرات بود که بدون معطلی به کابل فراخوانده شد و به صف "منتظرین بی معاش" سوق داده شد. ایشان به تاریخ نهم ثور 1358 توسط دژخیمان استخبارات رژیم از منزلش خیرخانه با پسرانش یکجا ربوده شده و به آمریت جنایی وزارت داخله و سپس ریاست اگسا انتقال یافت. در اگسا یکجا با پسران، برادر و برادرزاده اش زیر شکنجه های غیر انسانی و بیرحمانه قرار گرفت. بعد از گذشت یک ماه من (پسرش) و برادر زاده اش به زندان دهمزنگ و خودش با برادرش شهید دگروال عبدالغفور احمد پروانی به جای نامعلومی برده شد که بعد به شهادت رسید و به کاروان هزاران شب رفته آزاده پیوست.

شهید عبدالواحد احمد پروانی نه تنها، انسان مومن و شریف، وطن دوست و خدمتگار صادق مردم رنج دیده خود بود، بلکه دست بالایی در ادبیات و نویسنده گی نیز داشت. در باره بیشتر ولسوالی هایی که در آنجا ها وظیفه اجراء کرده بود، کتاب نوشت که در نوع خود بینظیر بودند، اما دریغا که از آن همه کتاب ها، فقط یک جلد آن در سفر اخیرم به کابل به دستم آمد که "ولسوال و اصلاحات اجتماعی" نام دارد. چند کتاب دیگرش به ویژه "موقعیت تاریخی و جغرافیایی جاغوری" که مدتی در آنجا به حیث ولسوال کار کرده بود و به آن علاقه فراوان نیز داشت، در تلاشی های اگسا و تعداد دیگر در اثر حوادث بعدی به باد فنا رفت.

من به دو دلیل مبادرت به نشر کتاب "ولسوال و اصلاحات اجتماعی" کردم. دلیل اول اینکه یاد شهیدان وطن، منجمله آنانی را که به دست های خون آلود حزبیان دموکرات خلق جام شهادت را نوشیدند، باید همواره گرامی بداریم و این کمترین کاری است که می توانیم در حق این شهدای عزیز خود انجام بدهیم و دوی دیگر اینکه مطالعه این کتاب را با وجود آنکه از نوشتن آن چهل و هفت سال می گذرد، برای کسانی که به سمت "ولسوال" کار می کنند، هنوز هم مفید می دانم. مطالعه این کتاب که فقط چند ماهی بیشتر از من سن دارد، به خوبی نشان می دهد که چه انسان های آگاه و دانشمندی که هر کدام می توانستند خدمات شایسته یی به وطن و مردم خود انجام دهند، توسط جانیان حزب دموکرات خلق نیست و نابود شدند و سرمایه معنوی کشور فدای یکه تازی ها و انقلابیگری های ساده لوحانه مشتی افراد بیسواد و عقده یی گردید. این متن در دو یا سه بخش خدمت خواننده گان گرامی تقدیم می گردد. قابل تذکر می دانم که متن را از روی دستنویست اصلی کتاب بدون هر گونه تصرف، تغییر و تزئیدی تایپ و آماده نشر ساخته ام.

روح شهدای سرزمین بلا کشیده ما شاد باد!

عبدالرحیم احمد پروانی

# ولسوال و اصلاحات اجتماعی

(بخش نخست)

نویسنده: شهید عبدالواحد احمد پروانی

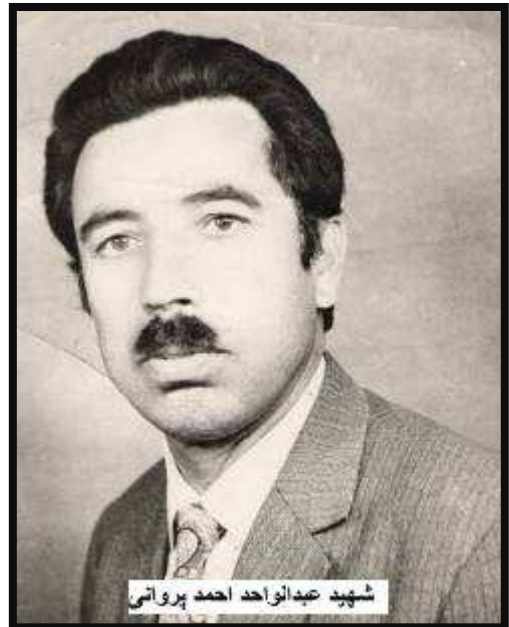
بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

به یاری خدای قادر و توانا و به اساس اراده نیک اعلیحضرت معظم همایونی و توجه حکومت شاعلی دکتور محمد یوسف صدراعظم، قانون اساسی جدید افغانستان تدوین و بعد از تصویب توسط وکلای ملت (لویه جرگه) و توشیح حضور ملوکانه در معرض تطبیق قرار داده شد.

قانون اساسی جدید با داشتن روحیه کاملاً دیموکراسی مطابق آرزوهای توده بوده عیناً مثل قوانین اساسی اکثر ملل مترقی جهان متضمن سعادت و رفاهیت قوم و برقراری عدالت و مساوات و تامین حقوق فردی و اجتماعی و آزادی گفتار و عقیده و پیشرفت فرهنگ و کلتور و رویکار آمدن حکومت انتخابی و ملی و مجزی شدن قوه قضاییه از قوه اجراییه و بالاخره یک تحول بزرگ اجتماعی و بی سابقه در افغانستان می باشد. تطبیق این قانون و فهماندن مردم به مفاد و مزایای آن و رساندن قوم به اساسات دیموکراسی که حقوق و واجیب و مکلفیت های خود را بشناسند مستلزم فعالیت و مساعی بیشتر منورین و دانشمندان و طبقه مامورین می باشد، مخصوصاً مامورینی که با توده در تماس و سر و کار داشته باشند. درین نوشته مطلب و هدف من مستقیماً ولسوالان می باشند که تماس دایمی شان با مردم است.

با گرفتن اندرز و تجربه از دوره های مختلف ماموریتم به خوبی درک کردم که در تطبیق قانون اساسی و تحول اوضاع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره جامعه افغانی ولسوالان رول مهمی را بعهده دارند. ولسوالان اند که می توانند به خوبی این وظیفه را انجام دهند. نقش ولسوالان در تطبیق این مرام و آرزو خیلی موثر و مهم است. این ها می توانند با ابتکارات تازه، صرف نیرو، مردم را به مزایای حقیقی دیموکراسی ملتقت بسازند و توده را به راه بهبود و سعادت رهنمونی نمایند.



اگر با ضمیر پاک و بی آلیش و با روح توافق و تسانند با اتحاد و هم آهنگی کامل قانون اساسی جدید را مطابق تمنیات شاه و به اساس امیدها و آرزوهای قوم طور صحیح با فداکاری و از خودگذری تطبیق نمایند، یقین کامل است فعالیت ولسوال و همکاری مامورین مربوط و مردم به نتیجه مثبت رسیده در ایفا و انجام این وظیفه عالی و مقدس رضاییت خداوند معال را که در حصول رضای خلق مضمراست، حاصل و وظیفه ایمانی و وجدانی خویش را ایفاء و انجام آن به خیر و صلاح جامعه اتمام می یابد.

وظایفی که تحت شرایط فوق متوجه ولسوالان است نکات برجسته آن ها که در خلال نوشته های آتیه به نظر می رسد، طور مختصر تذکر داده می شود.

امیدوارم مورد پسند واقع شده، اگر قصور و نواقصی در آن ها به عمل آمده باشد معذورم خواهند داشت. در انجام مواد مذکور موفقیت همه کارکنان دولت را می خواهم.

## ولسوال

ولسوال کیست؟ و چه وظایفی را انجام بدهد، مکلفیت های قانونی ولسوال، نقش ولسوال در پیشرفت جامعه، انتظاری که حکومت از یک ولسوال دارد، تحول و انکشاف ذهنیت ها، رشد و نمو فکری، ارتقای سویه های اجتماعی مردم، پیشرفت معارف و کلتور، توسعه و اصلاحات زراعتی، تربیه جنگلات، تامین امنیت، حفظ الصحه، از بین بردن رواج و رسوم بیجا و غیره فعالیت هایی که شرح آن ها در لابلای این اوراق به نظر می رسد، از جمله وظایف اصلی و عمده یک ولسوال به شمار می رود.

کلمه ولسوال که جانشین اسم "حاکم" شده یک کلمه بسیار موزون و مناسب می باشد که نظر اولیای امور را جلب و یک اسمی را که با تحولات امروزی تطبیق نمی شد، از بین برداشتند.

"حاکم" در قاموس امروزی و پیشرفته بشری جز به یاد آوردن خاطرات تلخ و شوم ادوار گذشته مفهوم دیگری ندارد.

امروز در تمام ممالک مترقی و رو به انکشاف جهان قانون حاکم است. قانون است که وظایف اشخاص را معین و مکلفیت ها و مسوولیت های مردم را مشخص می سازد. انتظامات امور، حفظ نظم عمومی، از بین بردن خودسری ها و جلوگیری از تجاوزات و حق تلفی ها توسط قانون تنظیم و طرح می گردد.

امروز ولسوال که معنی لفظی این کلمه مرادف و هم ترازو با کلمه "مردم دار" است، باید با تمام معنی مردم دار باشد. ولسوال امتیاز و برتری نسبت به سایر اشخاص ندارد. تنها مردم را به راه فلاح و بهبود رهنمایی می کند.

ولسوال واسط و رابط نیکی بین مردم و دولت می باشد. ولسوال ممثل نظریات حکومت نزد مردم و مظهر تمنیات و آرمان های قوم نزد حکومت می باشد. این نماینده گی طور واقعی تمثیل شود که هیچ انحرافی در آن راه نیابد. پلان ها و پروژه های دولت را به طوری به مردم تبلیغ نماید که از آن سوء تعبیر نشود. مردم را از حکومت و حکومت را از مردم دور نگه نداشته، اساسات یموکراسی را که حکومت از مردم و مردم از حکومت است و همین مردم است که حکومت ها را به میان می آورند، طوری به مردم تلقین نماید که عموم مردم به حقوق و وجایب خویش دانسته شوند. مواد قانون را به اغراض ترجمه ننماید، به امتیاز طبقاتی هیچ ارزشی قایل نشده و تبعیض قومی را سبب نشود.

بین ولسوال امروز با حاکم چندین سال قبل خیلی ها تفاوت موجود می باشد، زیرا:

گذشته هایی که حکومت را موروثی می پنداشتند، پسر به جای پدر، برادر عوض برادر چوکی و مقام حکومت را تصاحب می کرد، گذشته ایامی که حکومت به دست یک طبقه محدود اعیان و خوانین می بود و به سایر مردم این حیثیت و مقام میسر نمی شد، از بین رفته. آن وقت هایی که یک حاکم دارای چندین نفر ناظر و ملازم و چوبکی های بی رحم می بود سپری شده. زمانی که یک حاکم برقراری سیاست اداری را مربوط به شلاق زدن، شکنجه های گوناگون و در آب تر کردن و ریختن آبرو و تحقیر کردن مردم می دانست و بدین وسیله در قلوب مردم رعب و هراس تولید می کرد، گذشته. زمانه هایی که مردم عوام "حاکم" را ندیده و او را در خیال خویش هیولای مهیب و عظیم الخلقه تصور می کردند و بعضی مردم به غرض مرعوب ساختن رقیبان خود و بعضی دیگر در آرام کردن و خواباندن اطفال خویش از یادآوری اسم "حاکم" استفاده می کردند، دیگر آمدنی نیست و تکرار خواهد شد.

اکنون ولسوال از راه شفقت، عطوفت، ترحم در قلوب مردم تولید محبت کرده خلق را گرویده اعمال نیک و اخلاق حسنه خویش بسازد، به این ضرب المثل معروف که (حاکم یکروزه خانه صد ساله را خراب می کند) محل تطبیق نگذاشته با اباد کردن خانه های منهدم و نهادن مرهم بر قلوب مجروح مردم تلاقی و جبران گذشته را بنماید. ولسوال امروز باید خدمتگار واقعی مردم باشد.

با تحول زمان و اجاببات عصر و احتیاجی که مملکت به پیشرفت و رسیدن به کاروان مترقی جهان را دارد، به حیث یک فرد صالح این خاک و یک اولاد (زیر این جمله توسط نویسنده خط کشیده شده) حقیقی وطن بکوشد دوش به دوش قوم در اعمار وطن عزیز سهم گرفته جامعه را با تحولات امروزی بشری موافق بسازد. عصبانیت های بیجا، محکم زدن مشت ها بر روی میز، فحش و ناسزا گفتن ها و اعمال و حرکات دیگر امثال این ها در شان ولسوال امروزی زبینه نیست.

شرافت، صداقت، حوصله، پاکي و بی آلايشی، اخلاق عالی و ستوده، عفت، دیانت و ایمانداري از جمله صفات برجسته ولسوال می باشد که سرمشق کارکنان اداری و سایر مردم گردد.

ولسوال اتفاق و همکاری مردم را مدنظر گرفته در اطفای نایره نفاق کوشش نماید که اسباب دریدری مردم از این راه به میان می آید. باید نفاق به کلی رفع شده تا قوم در سایه وحدت نظر و اتفاق کامل به دیگر امور حیاتی خویش مصروف و متوجه باشند.

تماس و مشوره ولسوال همیشه با دانشمندان و بزرگان قوم باشد. راجع به بلند بردن وضع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شان مذاکره و مفاهمه نموده اسباب و لوازمات ضروری شان را فراهم نماید. بین ولسوال و مردم وحدت نظر و هم آهنگی کامل باید موجود باشد.

و این نکته مهم به مردم مدلل ساخته شود که دموکراسی معنی تجاوز، تجاوز و بی اداره گی را نداشته بلکه یک نوع آزادی می باشد که مردم را به اجرای قوانین و مقرارت و رعایت حقوق عامه و خدمت به وطن پابند و تکلیف و مسولیت مردم را در برابر قانون مضاعف ساخته همکاری و معاونت صمیمانه توده را در پیشبرد پلان ها و پروژه های انکشافی دولت تقاضا و به تعقیب و تطبیق این مفکوره وحدت نظر و همکاری کامل مردم و حکومت را ایجاب می نماید.

## ولسوال و مردم

در ولسوالی، دروازه تمام دوایر به روی مراجعین یکسان باز باشد. حاضر باش های خشن با چهره های دژخیمانه خویش به شدت و بیرحمانه مردم را از عقب دروازه ولسوالی نرانند. دوایر عموماً دارای سرلوحه باشند تا مراجعین به سهولت شعبه مطلوب خویش را شناخته بدون سرگردانی به همان شعبه مراجعه نمایند. به بی سوادان و نابلدان نفر موظف دروازه شعبات را رهنمایی کنند.

ولسوال عرایض، شکایات و گفتار مراجعین را دقیقانه استماع و به عرایض مردم واری و دلایل، اعتراضات شان را بشنود. مانع اظهارات مردم نشود. بین مدعی و مدعی علیه و یا عارض و معروض امتیازی قایل نشود. بیانات طرفین را تحلیل و تجزیه نماید. ولسوال تا حدی قوه تمیز و تشخیص نیک و بد را داشته باشد (و) بدون سنجش طور احساساتی قرار صادر نکند. آزادی هایی را که قانون اساسی به مردم قایل شده تمام آن را مرعی نماید و قوم را از آن مستفید بسازد.

در قریه ها همه وقته گردش نموده محتویات قانون را در اجتماعات و غیره محافل و مجالس به مردم بفهماند و آن ها را حقوق و وجایب شان ملتفت بسازد. چون مامورین خدمتگار قوم استند، بایست عملاً این موضوع را به اثبات برسانند.

مردم را که سابق به بوسیدن و به جبین مالیدن دست "حاکم" و سایر مامورین عاده شده اند، از این عمل شان باز دارند.

در جوامع و قراء و جاهایی که می روند، با پیشانی کشاده و طبع ملایم مردم را جمع کرده با آن ها صحبت و مذاکره نموده جویای احوالات شان شود به رفع تکلیف و مشکلات شان بپردازد. حقوق مردم را محترم بشمارد. هتک حرمت، پامال کردن شرافت و کرامت انسانی را عمل مذموم و نامناسب و خلاف قوانین و تهذیب بشری دانسته، مامورین و زیر دستان خود را جداً از این عمل با دارد. چون ولسوال را در منطقه عموم مردم به حیث " پدر" خطاب می نمایند، لهذا رویه را که یک پدر در مورد فرزندان خویش می پسندد، با اهل منطقه نیز همان رویه را در پیش گیرد تا گفتار مردم مصداق پیدا کند.

مهمتر از همه جامعه را به سوی دیموکراسی افغانی رهنمونی و سویه های شان را پیش برده به رسیدن به حقوق شان آن ها را آماده بسازند.

پولیسان امنیه را که همیشه با مردم سر و کار دارند توصیه و تاکید نماید که در حین اجرای وظیفه سبب ایذاء و آزار کس نشده با اندک موضوع باعث تحقیر مردم نشوند.

ولسوال اشخاصی را که متمادیا به صورت پیش کاره و واسطه و وسیله بین مردم و مامورین حایل شده از مردم استفاده های ناجایز می نمودند جلوگیری نموده اوشان را بفهماند که شغل مشروعی به خود تدارک نمایند..

قریه دار و ارباب را که اکثر مامورین را به انحراف از حقیقت وادار می نمودند، از این عمل شان ممانعت و موقع ندهد که سبب اذیت و تکلیف مردم شوند. به کمک و همکاری منسوبین معارف به غرض اصلاحات ذهنیت ها و از بین بردن بعضی رسوم و رواج های بیجا و مزخرف، درامم ها و انترکت ها نمایش داده شود که در این صورت در تنویر اذهان ععمالامه و اصلاح رواج های پوسیده رول مهمی را بازی می نماید.

محافلی که به یاد و بود ایام تاریخی احتفال گرفته می شود حتی المقدور ولسوال نیز در چنین روزی محافل و مجالس در مرکز ولسوالی تشکیل دهد. مثلاً ایام جشن استقلال کشور، روزهای عید مذهبی، مراسم باستانی نوروز، روز معلم و غیره.

در چنین ایام مخصوصاً روزهای جشن آزادی وطن مراسم شاندار و با شکوه برقرار شود. حق اشتراک به عموم مردم داده شود. اسباب تفریح و سرگرمی مردم از هر قبیل فراهم گردد، بیانیه‌ها و مقاله‌ها قرائت شود. ولسوال شخصا بعد از قرائت یا اعلان پادشاهی اهمیت این روز را به مردم گوشزد و نظریات دولت را به مردم ابلاغ و اجراءات گذشته و پلان‌های آینده دواير مربوط را به سمع مردم رسانیده مردم را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده به تعقیب و پشتیبانی با پروژه‌های دولت همکاری مردم را جلب نماید.

همچنان به دانشمندان و منورینی که می‌خواهند در این محافل بیاناتی ایراد نمایند برای شان موقع داده شود. تشکیل این قبیل محافل باعث رشد و تنویر افکار جامعه می‌شود. بعضاً معمول است که عناصر استفاده‌جو و مضر به غرض رساندن ایذا و ضرر به معاندین خود به دیگر وسایل کامیاب نشدند، از راه استخبارات پیش آمده اطلاعات گوناگون به ولسوالی و مقامات بالاتر تقدیم می‌نمایند تا بدین وسیله به نفر مقابل خویش تکلیفی متوجه ساخته به حیثیت و شرافت او لکه وارد نماید.

ولسوال در مورد این اطلاعات تحقیقات و بررسی‌های خصوصی و سری نموده در حالی که ثابت شود از روی عناد و خصومت ترتیب شده موضوع را به مقامات عالی به عرض برساند.

بعضی قریه داران و صاحب رسوخان در ولسوالی‌ها موجود هستند که با مفکوره‌های مادی پرستی خویش مردم را به هم انداخته سبب تولید عرض و داد شده به اصطلاح "آب خت" نموده از این راه استفاده‌های ناجایز می‌نمایند. جلوگیری از اعمال این قبیل مردمان و موقع ندادن به استفاده‌های سوء شان وظیفه ولسوال است.

چون خداوند متعال زمام اختیار یک توده را که دارای هر گونه مخلوق از قبیل علماء و مشایخ، معززین، صغیر، کبیر و مستمند و توانا بوده و هر یک نزد خدا و پادشاه حقوق دارند، به یک ولسوال که ممنوع شان است تقویض نموده، لهذا ولسوالان به شکرانه این نعمت بزرگ که خداوند برای شان اعطاء فرموده پیرو عدالت و خدمت خلق بوده به موجب مراعات و نوع دوستی رضایت خداوند، پادشاه و مخلوق را استحصال و به این رویه به عزت و نیکنامی خود بیفزایند.

## رول ولسوال در پیشرفت فرهنگ

جامعه امروزی افغانی بیش از همه چیز به معارف احتیاج شدید دارد. بلند رفتن سطح فرهنگ عمومی مستلزم فعالیت و تلاش و صرف انرژی و نیرو می‌باشد. فعالیت ولسوال در پیشرفت معارف منطقه مربوط سهم بارزی دارد.

مبارزه با بیسوادی که جزء مهم پلان‌های دولت است، پیش‌آهنگ این مجادله و مبارزه ولسوال باشد. ولسوال است که جامعه را به قبول پرنسب‌های مقدماتی معارف آشنا می‌سازد. ولسوال است که مزایای معارف را به قومی که نخست از معارف دروی می‌جستند در رگ و پوست آن‌ها تزریق می‌نمایند.

هنوز هم بعضی عناصری در کنج و کنار مملکت پیدا می‌شود که با معارف و فرهنگ مخالفت جدی داشته چه قسمی که از جهالت و نادانی مردم سال‌ها استفاده کرده اند و نمی‌خواهند که مردم حقوق خود را بدانند، اکنون نیز به تعقیب افکار و نظریات شوم و جهالت پرورانه خویش مقاومت می‌ورزند. در قدم اول مجادله با این دسته مردم و تغییر دادن افکار مردمان عوام از تعقیب و پیروی نظریات این قبیل اشخاص، قانع ساختن خود این مردم که نظریات شوم و افکار پوسیده خود را ترک دهند محتاج فعالیت بیشتر و اجراءات ولسوال می‌باشد.

با توجه در قسمت معارف، از اثر علم و معرف افراد نیک و عدالت خواه، متقی و شریف در جامعه به وجود آمده، زیرا ارشاد به تعلیم و تربیه و هدایت قوم به خیر و صلاح و نیکی و فضیلت از وظایف وجدانی ولسوال می‌باشد. قدرت علم و تربیت بیش از همه قوه هاست که افراد بشر را عاقل و کامل ساخته به این قوه می‌تواند مصالح جامعه را صیانت و ارتباط معنوی بین مردم پیدا و نظم و ترتیب بیشتری برای ارتقای سطح زنده گی مردم برقرار گردد. تماس دایمی با منسوبین معارف منطقه مربوط، خبرگیری از مکاتب در دو هفته، رفع مشکلات اداره مکاتب، تهیه تعمیرات غرض رهائش، وادار کردن قوم از طریقه‌های معقول و منطقی غرض کمک و مساعدت کردن با معارف، مساعد ساختن زمینه برای تدویر کنفرانس‌ها، رشد اطفال مکاتب، احتیاجات محل را به معارف به مقام ذیصلاح پیشنهاد کردن و منظوری خواستن مکاتب جدید، دایر کردن کورس‌های اکابر یا به مصرف دولت و یا به معاونت مردم در هر گوشه و کنار منطقه، تاسیس یک کتابخانه کوچک در مکتب غرض استفاده طلاب و علاقمندان و در جمع آوری کتب مساعدت مالی و اخلاقی شخص ولسوال با اداره مکتب و جلب کمک منورین و دارنده گان منطقه در این مورد. نمایش درام‌های اصلاحی و انتباهی به کمک منسوبین معارف و تربیه طلاب معارف به اجرای رول‌های

درام که این کار از یک طرف به جرئت اطفال و زنده کردن روحیات اطفال افزوده بسا رسوم بیجای بین توده را مرفوع و ذهنیت ها را اصلاح می نماید.

ادامه دارد..